بازتاب

پیام تبریک رئیس جمهور

• حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران، نیز روز گذشته در پیامی پیروزی ارزشمند تیم ملی والیبال کشورمان در مسابقات ژاپن و راهیابی مقتدرانه به المپیک سال ۲۰۱۶ پس از ۵۲ سال را تبریک گفت. متن پیام حجت‌الاسلام والمسلمین حسن روحانی به این شرح است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم

پیروزی ارزشمند تیم ملی والیبال کشورمان در مسابقات ژاپن و راهیابی مقتدرانه به المپیک سال ۲۰۱۶ پس از ۵۲ سال، بار دیگر موجی از غرور و شادی را برای ملت شریف ایران به ارمغان آورد. این پیروزی و برتری بر قدرت‌های والیبال جهان که برگ زرین دیگری بر افتخارات جوانان شایسته ایران عزیز افزود، جلوه‌ای از تلاش و امیدی است که ملت سرفراز ایران برای فتح قله‌های افتخار و فرداهای بهتر به نمایش گذاشته است. این‌جانب با تبریک این پیروزی پرشکوه و غرورآفرین به ملت بزرگ ایران، از همه دست‌اندرکاران، مربیان و ورزشکاران شایسته و پرتلاش تقدیر و تشکر نموده و تداوم پیروزی آنان در مسابقات آینده و سربلندی جوانان عزیز را از درگاه خداوند بزرگ مسئلت دارم.

علی لاریجانی، رئیس مجلس هم در پیامی این صعود را تبریک گفت.

ادامه از صفحه اول

بامحمدعلی در آن زمستان سرد سرد

می‌گویند چهارتاخت به سوی گرداب «یکسان قضاوت‌کردن»، «یکسان احساس‌کردن» و «یکسان واکنش نشان‌دادن» رفته‌اید. می‌گویند محمدعلی موجود تک‌یاخته‌ای معترضی است که برای فریادهایش، شما را عاشق خود کرده، می‌گویند تصور می‌کنید به سیستم گفته نه، می‌گویند مردی است که آگاهانه یا غریزی یا تصادفی پریده روی ستون‌های رسانه و از ورزش یک اسلحه بزرگ ساخته، می‌گویند مراوده ورزش و رسانه و مردم را «بازتعریف» کرده.

نبرد محمدعلی و فریزر در مدیسون اسکوئر گاردن نیویورک. در این زمستان برفی با اعتصاب‌ها و اعتراض‌های سیاسی تهران گره خورده. پخش مستقیم تلویزیونی نبرد دو گلادیاتور سیاه‌پوست آمریکایی در ساعت هفت صبح به وقت تهران یعنی چشیدن طعم پخش زنده یک دیدار ورزشی بین‌المللی در تلویزیون ایران، یعنی نرفتن سر کار و حاضرنشدن سر کلاس درس، یعنی دل‌سپردن به تصاویر سیاه‌وسفید این جعبه کوچولو. یعنی آنهایی که تلویزیون ندارند، راهی منزل آنهایی که تلویزیون دارند، شده‌اند، یعنی خیلی‌ها در این صبح زمستانی به قهوه‌خانه‌هایی که تلویزیون دارند، پناه برده‌اند.

پیش از آغاز نبرد برت لنکستر، فرانک سیناترا، وودی آلن و داستین هافمن برابر دوربین آمده‌اند، خودی نشان داده و حرفی زده‌اند. مبارزه شروع شده و شما برای محمدعلی هورا کشیده‌اید. برای او دست زده‌اید. نبرد تمام شده. دل‌ها می‌خواستند محمدعلی دوست‌داشتنی ببرد، ولی فریزر بدترکیب بهتر مشت زده و خستگی‌ناپذیرتر. محکم‌تر و جانانه‌تر. فریزر بدترکیب، محمدعلی دوست‌داشتنی را در راند پانزدهم ناک‌داون کرده. او را شکست داده. سلطان رینگ را با آواره شکسته راهی بیمارستان کرده. توانسته پوزه شماها را به خاک بمالد؛ همه‌تان را که برابر تلویزیون‌ها حرص خورده‌اید، بی‌تابی کرده‌اید و اشک ریخته‌اید.

کارمندان و دانش‌آموزان نتوانسته‌اند در محل کار و کلاس‌هایشان حاضر شوند. شما با لب‌ولوچه‌های آویزان دنبال یافتن اتوبوس یا تاکسی برای سوارشدن و رسیدن به مدرسه پرپر زده‌اید. سرگردان در طول خیابان‌ها صف کشیده‌اید. کارگران شرکت واحد اعتصاب کرده‌اند و پشت فرمان ننشسته‌اند. اتوبوس‌های شرکت واحد بی‌راننده و بدون شاگرد مانده‌اند. راننده‌های ارتش و شهربانی که در چند مسیر پشت فرمان نشسته‌اند، ناآزموده هستند و بیگانه با رانندگی در خیابان‌های شهر. جابه‌جایی در تهران دشوار شده. رسیدن به مدرسه خیلی سخت. دبیرستان البرز در مجاورت دانشکده پلی‌تکنیک قرار دارد. تظاهرات دانشجویان به بهانه گران‌شدن بلیت دوریالی اتوبوس‌ها بالا گرفته. آنها با پلیس ضدشورش درگیر شده‌اند و با پریدن از روی دیوار پلی‌تکنیک، به حیاط بزرگ دبیرستان شما پناه آورده‌اند. میان دانش‌آموزان گم شده‌اند. گاز اشک‌آور شلیک شده. چشم‌ها را سوزانده و اشک‌ها را سرازیر کرده. دو هفته پیش‌تر دانشجویان دانشگاه ملی با اعتراض به شهریه بالا، دانشگاه‌شان را به تعطیلی کشانده‌اند. یک ماه پیش حمله مسلحانه‌ای به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل انجام شده. اصطلاح «مبارزه مسلحانه چریکی» به گوش‌ها خورده.

ولی در آن آخرین روزهای اسفند سرد ۱۳۴۹ از محمدعلی حرف می‌زنید؛ از پخش زنده تلویزیونی یک مسابقه ورزشی در ایران به صورت زنده از تلویزیون، از مشت‌زن سیاه‌پوست دوست‌داشتنی، از کسی که چند سال بعد عنوان قهرمانی‌اش را پس می‌گرفت، از کسی که خیلی بعدها به ایران می‌آمد، وقتی که پارکینسون گرفته بود؛ وقتی که سایه‌ای از خودش شده بود، وقتی که رسانه همه‌تان را بلعیده بود.

اولین حضور والیبال ایران در المپیک

طلسم ۵۲ ساله شکست

عکس: سایت فدراسیون والیبال

شرق: المپیک بالاخره به والیبال ایران سلام کرد. بلندقامتان کشورمان که برای رسیدن به ریو پا به رقابت‌های انتخابی ژاپن گذاشته بودند، دیروز موفق شدند با شکست تیم لهستان، قهرمان جهان، برای اولین‌بار صعودشان را به حضور در بزرگ‌ترین رویداد ورزشی دنیا قطعی کنند. شاگردان لوزانو بعد از پنج بازی حساس و کسب ۱۰ امتیاز در مسیر صعود به المپیک، دیروز به مصاف عقاب‌های اروپا رفتند و در دیداری حساس با نتیجه ۳ بر یک حریف صاحب‌نام خود را از پیش‌رو برداشتند. ملی‌پوشان ایرانی فقط ست سوم این مسابقه را با نتیجه ۲۵ بر ۲۰ به عقاب‌های اروپا واگذار کردند اما در ست‌های اول، دوم و چهارم به ترتیب با امتیازهای ۲۵ بر ۲۰، ۲۵ بر ۱۸ و ۳۴بر ۳۲ به پیروزی رسیدند. استفان آنتیگا، سرمربی فرانسوی تیم ملی لهستان که پیش‌تر صعود تیمش را به المپیک ریو قطعی کرده بود در این دیدار بیشتر از بازیکنان ذخیره خود استفاده کرد و در نهایت تیم کشورمان با بهره‌بردن از اشتباهات حریف موفق به شکست آن شد و کاری کرد که صعودش به بازی آخر مقابل ونزوئلای ضعیف کشیده نشود. کونارسکی از لهستان با کسب ۲۹ امتیاز عنوان امتیازآورترین بازیکن میدان را به دست آورد و در تیم ایران هم شهرام محمودی با ۲۴ امتیاز عملکرد بهتری نسبت به سایر بازیکنان داشت. دو تیم ایران و لهستان تاکنون ۱۴ بازی رسمی مقابل یکدیگر برگزار کرده‌اند که سهم ایران پنج پیروزی و سهم لهستان ۹ برد بوده است. والیبال در حالی از سال ۱۹۶۴ به جمع رشته‌های المپیکی اضافه شده که ایران بعد از گذشت ۵۲ سال از عمر این ورزش زیبا و مهیج در این رویداد مهم، توانسته برای نخستین‌بار جواز راهیابی به آن را به دست آورد. تیم ملی والیبال کشورمان چهار سال پیش در دوران حضور خولیو ولاسکو، پرافتخارترین مربی والیبال جهان در رقابت‌های انتخابی ژاپن تا یک‌قدمی کسب سهمیه المپیک پیش رفت اما با یک غفلت برابر استرالیا، رقیب دیرینه خود، از رسیدن به المپیک ۲۰۱۲ لندن محروم شد. در واقع ایران پنجشنبه بلیت ریو را برای خودش رزرو کرد؛ جایی که در یک نبرد نفس‌گیر نزدیک‌ترین رقیب خود چین را شکست داد.

لوزانو: تاریخ‌ساز شدیم

رائول لوزانو، سرمربی آرژانتینی تیم ملی والیبال ایران که با وجود مدت کوتاه حضورش در رأس این تیم نقش بسزایی در المپیکی‌شدن والیبال کشورمان دارد، بعد از پیروزی برابر لهستان در جمع خبرنگاران گفت: «احساس فوق‌العاده‌ای دارم و بسیار خوشحال هستم. این یک اتفاق ویژه بود چراکه این اتفاق برای نخستین‌بار در تاریخ والیبال ایران رخ داده است. مردم ایران مدت‌های طولانی منتظر بودند تا شانس حضور در المپیک را به دست بیاورند. من اصلا نمی‌توانم درباره آمار و نحوه بازی بازیکنانم صحبت کنم. با این نتیجه فقط می‌توان خوشحال بود و جشن گرفت».

هم‌گروهی ایران با لهستان، روسیه و آرژانتین در ریو

در مسابقات والیبال مردان بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریودوژانیرو، ۱۲ تیم شرکت می‌کنند که تاکنون حضور ۱۰ تیم آمریکا، ایتالیا، آرژانتین، روسیه، کوبا، مصر، لهستان، فرانسه، ایران و برزیل به عنوان میزبان در این رقابت‌ها قطعی شده است. وضعیت یازدهمین تیم این رقابت‌ها امروز در ژاپن مشخص می‌شود. رقابت‌های انتخابی مکزیک که از روز جمعه با حضور تیم‌های مکزیک، شیلی، الجزایر و تونس آغاز شده است، تعیین‌کننده آخرین تیم صعود کننده به بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ خواهد بود. براین‌اساس تیم‌های برزیل، ایتالیا، آمریکا و فرانسه در گروه A قرار دارند و ایران همراه با لهستان، روسیه و آرژانتین در گروه B حضور دارد. اگر یکی از تیم‌های کانادا یا استرالیا امروز در انتخابی ژاپن جواز حضور در المپیک را کسب کند در گروه A قرار می‌گیرد. کوبا نیز به احتمال فراوان با ایران در گروه B هم‌گروه است. گروه تیم ملی والیبال مصر نیز بعد از مشخص‌شدن دوازدهمین تیم صعودکننده به المپیک که در رقابت‌های انتخابی مکزیک با حضور تیم میزبان، تونس، الجزایر و شیلی برگزار می‌شود، مشخص خواهد شد.

رکورد سهمیه‌های المپیکی ایران شکسته شد

با المپیکی‌شدن والیبال ایران، رکورد سهمیه‌های ایران در بازی‌های المپیک شکسته شد. با توجه به اینکه پیش از این کاروان ایران ۴۷ سهمیه در ورزش‌های انفرادی داشت توانست ۱۲ سهمیه دیگر هم بگیرد. این برای اولین‌بار است که کاروان کشورمان به ۵۹ سهمیه رسیده است. البته هنوز در فاصله دو ماه باقی‌مانده تا المپیک ریو این فرصت برای ورزش‌های انفرادی وجود دارد که بتوانند در رشته‌هایی مانند شنا، بوکس و دوومیدانی کسب سهمیه کنند. کاروان ورزش ایران پیش از این در بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ پکن با کسب ۵۵ سهمیه بیشترین تعداد نفرات را در این رویداد بزرگ شرکت داده است. البته این در حالی است که ما در این دوره هنوز نسبت به المپیک قبل ۲۰۱۲ لندن، که ۵۴ سهمیه انفرادی کسب کردیم خیلی عقب‌تر هستیم.

هفتمین حضور تیمی ایران در المپیک

ایران در تاریخ بازی‌های المپیک، شش بار در ورزش‌های گروهی که شامل بسکتبال، فوتبال و واترپلو بوده در این مسابقات شرکت کرده است . بهترین نتیجه کشورمان، کار فوتبال در سال ۱۹۷۶ بوده است. در المپیک ۱۹۴۸ لندن، تیم ملی بسکتبال بین ۲۳ تیم حاضر در مسابقات پانزدهم شد. در المپیک ۱۹۶۴ توکیو، فوتبال ایران در گروه خود بین چهار تیم، چهارم و در کل مسابقات بین ۱۶ تیم چهاردهم شد. در المپیک ۱۹۷۲ مونیخ، ایران در گروه خود چهارم شد اما برای اولین‌بار در فوتبال المپیک برنده شدیم. در المپیک ۱۹۷۶ مونترال، فوتبال ایران بین ۱۴ تیم حاضر در بازی‌ها هفتم شد. در المپیک ۱۹۷۶ مونترال، واترپلو بین ۱۱ تیم حاضر در بازی‌ها آخر شد! در المپیک ۱۹۸۰ مسکو، ایران در رشته فوتبال به این مسابقات صعود کرد اما به علت تحریم بازی‌ها در مسابقات شرکت نکردیم. در المپیک ۲۰۰۸ پکن، بسکتبال ایران بین ۱۲ تیم حاضر به عنوان یازدهم رسید.

محمدعلی در ۷۴ سالگی درگذشت

«بزرگ‌ترین» خاموشی

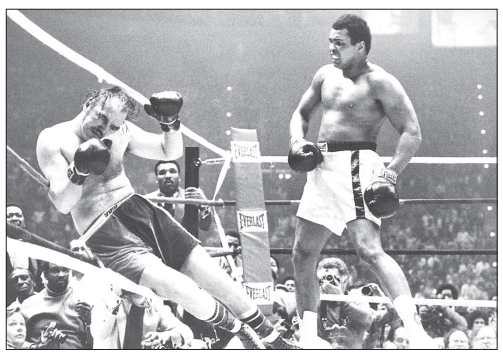

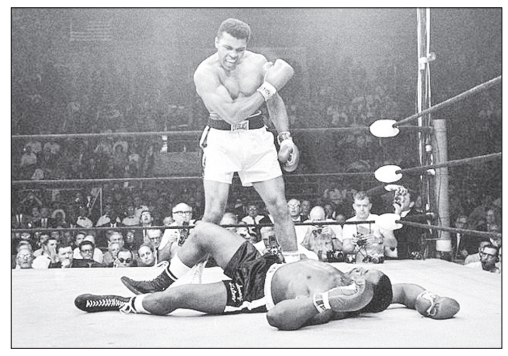

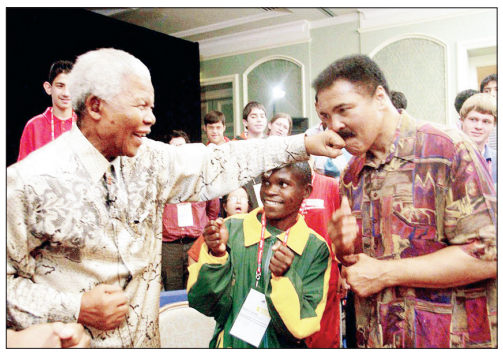

محمدعلی، مشهورترین قهرمان بوکس سنگین‌وزن دنیا، روز گذشته در پی بیماری تنفسی و در سن ۷۴ سالگی درگذشت. او در فنیکس و در آریزونا در شرایطی که در بیمارستان بستری شده بود، بالاخره مقابل مرگ «ناک‌اوت» شد تا نه‌تنها سه دهه مبارزه‌اش با «پارکینسون»، بلکه بیماری‌های تنفسی هم بالاخره «بزرگ‌ترین» ورزشکار بوکس دنیا را از پا دربیاورد. محمدعلی که سابقه قهرمانی در رقابت‌های بوکس المپیک را دارد، سه بار قهرمان دنیا شده و علاوه‌بر چهره ورزشی، فردی تأثیرگذار در برنامه‌های اجتماعی و سیاسی هم بود.

پاپ‌کُرن و دزد دوچرخه!

اسطوره‌شدن محمدعلی در دنیای بوکس بی‌شباهت به سناریوی فیلم‌های هالیوودی نیست؛ او در بعدازظهر یکی از روزهای پاییز ۱۹۵۴، دوچرخه تازه و نویی را که خریده بود، با حواس‌پرتی گوشه‌ای گذاشت و رفت تا پاپ‌کُرن بخرد. وقتی برگشت متوجه شد که دوچرخه نویی را که داشته، دزد برده! کِلی جوان که به‌شدت ناراحت می‌شود، خودش را به سالن بوکسی می‌رساند، به این امید که با یادگیری بوکس بتواند روزی حساب دزد دوچرخه را برسد. کِلی آن روزها ۱۲ساله بود و با ۴۰ کیلو وزن وارد مسابقات محلی شد تا جرقه‌ای برای ورود به دنیای حرفه‌ای‌اش باشد.

او در خانواده‌ای متوسط به دنیا آمد، در لوییزویل کنتاکی که محلی پرتنش به خاطر نژادپرستی و توهین‌های نژادی بود، بزرگ شد. او که در همان روزهای نخست نشان داده بود در رینگ مسابقه به‌مراتب مستعدتر از پشت نیمکت‌های مدرسه است، خیلی زود و در سال ۱۹۵۹ تورنمنت مشهور گلدن‌گلووز را برد. سال بعد، کِلی که واهمه زیادی از سوارشدن به هواپیما داشت، بالاخره بر ترسش غلبه کرد و برای گرفتن طلای المپیک راهی رم شد. او در آن زمان در میان‌وزن مسابقه داد و طلای المپیک را هم به‌راحتی از آن خودش کرد. سرانجام بعد از اینکه در بیش از صد مسابقه آماتور شرکت کرد، توانست در سن ۱۸سالگی جواز ورود به مسابقات بوکس حرفه‌ای را به دست بیاورد. کِلی که رقص پایش روی رینگ بیداد می‌کرد، شیوه‌های تازه‌ای هم برای فرار از مشت رقیب پیدا کرد و توانست خیلی زود از پله‌های ترقی در دسته سنگین‌وزن دنیا بالا برود. او هنوز چهار مبارزه در این دسته حرفه‌ای انجام نداده بود که اینگمار یوهانسن، پادشاه سابق این دسته، بوکس او را به سخره گرفت. سال ۱۹۶۲ بود که کِلی، آرچی مور، قهرمان سابق دسته میان‌وزن بوکس دنیا را نقش بر زمین کرد. یک سال بعد از آن، او هنری کوپر را در ومبلی برد و برای خودش شانسی به دست آورد تا در مسابقات جهانی به مصاف سانی لیستن مشهور برود.

از کاسیوس کِلی به محمدعلی

«همه فکر می‌کردند سانی خیلی زود فتیله کِلی را می‌پیچاند و او را به زادگاهش برمی‌گرداند». این جمله‌ای است که نیگل کالینز، خبرنگار آمریکایی در آن زمان و پیش از شروع آن مسابقه نوشت. حتی بوکمیکرز، شانس پیروزی کِلی جوان مقابل سانی را یک به ۷ دانسته بود. شرایط به‌گونه‌ای بود که از آن مبارزه به‌عنوان «رقابت‌های جهانی‌ای که بیشترین سرمایه‌گذاری را روی آن کرده بودند» نام برده شد. سرانجام ۲۵ فوریه ۱۹۶۴ قهرمانی کِلی با شکست سانی رقم خورد؛ ولی این قهرمانی جنجالی از آب درآمد: سانی لیستن گفت که کتفش درد می‌کند و نمی‌تواند به مبارزه ادامه دهد؛ بااین‌حال کِلی در کنفرانس خبری غوغایی به پا کرده بود. او داد می‌زد: «من بزرگ‌ترین هستم... من دنیا را شوکه کردم!» در آن زمان این شایعه سر زبان افتاد که آن قهرمانی کِلی زدوبند بوده. سال ۲۰۱۴ هم در پرونده‌های آرشیوی که از FBI به دست آمد، مدارکی وجود داشت که تردیدها نسبت به آن زدوبند را بیشتر کرد. البته این تردید بعدها در مسابقه انتقام‌جویانه‌ای که لیستن درخواست کرده بود و باز هم با قهرمانی کِلی همراه شد، به وجود آمد. بااین‌حال، فارغ از بحث‌هایی که درباره مسابقه با لیستن وجود داشت، کِلی مشعوف از قهرمانی‌هایش بود. او درست در همان سال بود که نام کاسیوس را که «نام بردگی‌اش» بود، کنار گذاشت و با روآوردن به دین اسلام، اسم محمدعلی را برای خودش برگزید. از آن موقع به بعد بود که محمدعلی بیشتر به جنگ با نژادپرستی در آمریکا رفت و نگرانی‌هایش بابت آمریکای سفید را علنی‌تر بیان کرد. سرانجام اختلاف‌نظر او با دولت آمریکا هم از همین‌جا نشئت گرفت و به جنگ ویتنام کشیده شد. کِلی که حاضر نبود برای آمریکا بجنگد، در آن زمان جمله‌ای گفت که برایش‌گران تمام شد. او با انتقاد از توهین‌های نژادی آمریکایی‌ها گفت: «ویتنامی‌ها هرگز مرا برده سیاه خطاب نکرده‌اند. آنها هرگز بدون محاکمه مجازاتم نکرده‌اند، هرگز سگ‌های وحشی را به جان من نینداخته‌اند. دشمن من سفیدپوستان آمریکا هستند، نه ویتنامی‌ها یا چینی‌ها و ژاپنی‌ها. وقتی آزادی می‌خواهم، شما جلوی راهم هستید، وقتی عدالت می‌خواهم شما سد راهم هستید و وقتی برابری می‌خواهم، شما مقابلم می‌ایستید. حتی تاب‌وتحمل پذیرش باورهای دینی مرا ندارید و آن‌وقت می‌خواهید برای شما بروم و در جایی دیگر بجنگم».

تبعید و فتح مجدد

همین صحبت‌ها برای محمدعلی‌گران تمام شد؛ او به پنج سال زندان محکوم شد و نزدیک به سه‌سال‌ونیم از رینگ بوکس فاصله گرفت؛ بااین‌حال دادگاه در سال ۱۹۷۰ رأی به برائتش داد و کِلی در شرایطی که ۱۴ کیلو وزن کم کرده بود، دوباره به رینگ مسابقه برگشت و این بار جان کواری را از پیش رو برداشت. در زمانی که کِلی در رینگ بوکس غایب بود، جو فریزر، سلطان سنگین‌وزن دنیا شده بود. اولین دوئل آنها هم که به «مبارزه قرن» معروف شده بود، در سال ۱۹۷۱ رقم خورد؛ جایی که محمدعلی به جو فریزر باخت تا رقابتی کینه‌توزانه بین این دو نفر شکل بگیرد. علی البته تاج و تختش را در زئیر و با مسابقه‌ای که «موبوتو» با هزینه‌ای هنگفت سروسامان داده بود، پس گرفت. ۳۰ اکتبر ۱۹۷۴ او جورج فورمن را در هشت راند شکست داد و افتخاراتش را پس گرفت. اوج هنرنمایی‌اش باز هم جایی بود که جو فریزر را در همان سال برد و انتقام شکست اول را گرفت. بااین‌حال درخشش اصلی محمدعلی یک سال بعد، یعنی سال ۱۹۷۵ در مانیل بود. او «تریلوژی» مسابقه‌اش به جو فریزر را در نبردی خونین برنده شد. خود کِلی در سال ۲۰۰۱ و در گفت‌وگویش با روزنامه اکپیو درباره آن مسابقه گفت: «واقعا به لحظاتی در آن مسابقه رسیدم که حس می‌کردم مرگ در یک قدمی‌ام ایستاده».

افول

به دلیل غرور یا ناآگاهی، محمدعلی در مسابقه‌دادن زیاده‌روی کرد. آخرین افتخاری که او به دست آورد، پس‌گرفتن عنوان قهرمانی‌اش از لئون اسپینکس بود که سال ۷۸ آن را از کِلی گرفته بود. دو سال بعد و زمانی که محمدعلی مقابل لری هولمس قرار گرفت، دیگر سایه‌ای از محمدعلی بود و نشانی از بوکسوری که برای خودش لقب «بزرگ‌ترین» را در نظر گرفته بود، نداشت. او یک سال بعد با بی‌تفاوتی تمام باز هم در مسابقه‌اش یکی دیگر از شکست‌های بزرگش را متحمل شد، ضمن اینکه درست از سال ۱۹۸۴ بود که اولین نشانه‌های بیماری پارکینسون در او پدیدار شد. علی که از رینگ فاصله گرفته بود، بعدها کمتر در صحنه دیده شده. فاصله‌اش با بقیه را بیشتر کرد؛ هرچند فورد او را به کاخ سفید دعوت کرد و جورج دبلیو بوش هم از او قدردانی کرد. در سال ۹۰ و در بحبوحه جنگ منطقه‌ای، محمدعلی به عراق سفر کرد و با دیدار با صدام حسین توانست رضایتش برای آزادکردن ۱۵ اسیر آمریکایی را بگیرد. او که هر روز بیشتر و بیشتر اسیر درد بیماری‌اش می‌شد، رفته‌رفته کمتر در مکان‌های عمومی دیده شد. تصویر علی در سال ۹۶ و زمانی که می‌خواست مشعل المپیک را روشن کند، دنیا را شوکه کرد؛ قهرمان دیگر پیر شده بود و به رعشه افتاده بود.

چند جمله ماندگار از محمدعلی

- کمک به دیگران در حقیقت به منزله اجاره‌ای است که برای پول اتاقت در کره زمین پرداخت می‌کنی.
- آنچه باعث می‌شود تا تو از تلاش دست بکشی، کوه‌هایی که پیش‌رویت قرار گرفته‌اند، نیستند، بلکه سنگ‌های داخل کفش‌های توست.
- اگر می‌شود از نان کپک‌زده پنی‌سیلین درست کرد، قطعا می‌توان در درون تو هم چیزهای بزرگی جست.
- مردی که در ۵۰سالگی دنیا را شبیه آنچه در ۲۰ سالگی می‌دید، ببیند، ۳۰ سال از زندگی اش را از دست داده.
- اگر روزی رؤیای کسب پیروزی مقابل من را داشتی، بهتر است از خواب بیدار شوی و معذرت‌خواهی کنی.
- تنها نقطه‌ضعف من این است که خودم واقعا متوجه نمی‌شوم که چقدر بزرگ هستم.
- من بزرگ‌ترین هستم. این را قبل از آنکه از این ماجرا اطلاع داشته باشم، گفته بودم.

۲ نکته متفاوت از محمدعلی

- **محمدعلی، مادرش را ناک‌اوت کرد!** اولین قربانی مشت‌های، سنگین محمدعلی، مادرش بود! محمدعلی در دوسالگی به‌طور ناخودآگاه به صورت مادرش ضربه می‌زند. حاصل این ضربه از یک بچه دوساله می‌شود، شکسته‌شدن دو دندان مادر!
- **علی یک مرد را از خودکشی نجات داد:** لس‌آنجلس، ۱۹۸۱. مردی ۲۱ساله لب پنجره‌ای در طبقه نهم یک ساختمان ایستاده بود و می‌خواست خودکشی کند. حرف‌های پلیس و روان‌کاوها روی تصمیمش تأثیری نگذاشت تا اینکه کلی به محل موردنظر رسید. او خطاب به جوان ۲۱ساله گفت: «هی من داداشت هستم و می‌خوام کمکت کنم». ۲۰ دقیقه بعد و با صحبت‌های بیشتر محمدعلی، آن جوان از تصمیمش مبنی بر خودکشی سر باز زد.

فوتبال

تغییر نام باشگاه سیاه‌جامگان با دستور آیت‌الله علم‌الهدی

• نام باشگاه لیگ‌برتری سیاه‌جامگان خراسان، با دستور آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی، نماینده ولی فقیه در استان خراسان‌رضوی، تغییر کرد. این خبر را علی عباسی، مالک این باشگاه پنجشنبه هفته قبل اعلام کرد. او دراین‌باره به فارس گفت: «نماینده ولی فقیه در خراسان‌رضوی به ما دستور داد این تغییر نام انجام شود و نام تیم را تغییر دادیم. به‌هرحال آیت‌الله علم‌الهدی تا پیش از این امام‌جمعه خراسان بود و حرف ایشان امربه‌معروف به حساب می‌آمد اما حالا که به عنوان نماینده ولی فقیه در استان انتخاب شده‌اند دستور ایشان حجت است. ایشان دستور داد نام ابومسلم از سیاه‌جامگان نباید تبلیغ شود. به همین دلیل ما قصد داریم با نام مشهد در مسابقات حاضر شویم. همان‌طور که می‌دانید خیلی از تیم‌های بزرگ دنیا مانند بارسلونا، لیورپول، منچستریونایتد و... با نام شهرهای‌شان در مسابقات حاضر می‌شوند و ما هم با تبعیت از این اتفاق، با نام مشهد وارد مسابقات خواهیم شد». عباسی عنوان کرد: رنگ پیراهن تیم «مشهد» همان رنگ پیراهن سیاه‌جامگان خواهد بود. مسئولان باشگاه سیاه‌جامگان چهارشنبه هفته گذشته با آیت‌الله علم‌الهدی دیدار داشتند. امام‌جمعه مشهد پیش از این به استفاده از نام‌های ابومسلم و سیاه‌جامگان برای تیم‌های مشهدی انتقاد کرده بود و آن را عامل توجه‌نکردن امام‌رضا (ع) به ورزش شهر دانست.

به گزارش ایسنا آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی، بیست‌وششم مهر سال قبل در دیدار با مدیران تربیت‌بدنی در دفتر امام‌جمعه مشهد، بر تغییر نام دو تیم فوتبال سیاه‌جامگان و ابومسلم تأکید کرد: «من در جمع دوستان همیشه تذکر داده‌ام در تربیت‌بدنی مشهد یک نقطه ضعف وجود دارد که اگر اصلاح شود باشگاه‌ها و ورزش مشهد مورد توجه امام رضا قرار می‌گیرد، متأسفانه دوستان یکی از باشگاه‌های سابقه‌دار این شهر را به نام یکی از دشمنان سرسخت امام رضا (ع) نام‌گذاری کرده‌اند، ابومسلم یک انسان جانی، بی‌باک و بی‌بندوبار بود که مایه ننگ اسلام است، آن وقت شما این باشگاه قدیمی را به عنوان سرسخت‌ترین دشمن امام رضا (ع) نام‌گذاری کردید. تا وقتی چنین نامی بر تیم است، امام رضا به ورزش مشهد توجه نمی‌کند و مشهد در عرصه تربیت‌بدنی پیشرفت نمی‌کند؛ اما نکته دیگر این است که حالا یک تیم دیگر درست کردند و اسمش را گذاشتند سیاه‌جامگان که این نام لشکر ابومسلم بود. دوستان اگر این موضوع را قبول دارند این اسامی را تغییر دهند و ببینند ورزش خراسان رشد خواهد کرد یا نه». تیم فوتبال سیاه‌جامگان چند سال پیش، پس از مشکلاتی که برای تیم ابومسلم، تیم قدیمی و پرطرفدار مشهد، ایجاد شد؛ با هدف ادامه دادن راه تیم ابومسلم و جذب هواداران این تیم، کار خود را شروع کرد. این تیم در فصل گذشته به سختی موفق شد خود را در لیگ‌برتر نگه دارد؛ به‌این‌ترتیب این تیم فصل بعد با نام «مشهد» در لیگ‌برتر شرکت می‌کند.

نقل و انتقالات

بختیار رحمانی استقلالی شد

• بختیار رحمانی، هافبک فصل گذشته تراکتورسازی، با قراردادی دوساله به استقلال پیوست. رحمانی، فصل گذشته برای گذراندن خدمت سربازی در تراکتورسازی به میدان رفته بود. او اولین خرید استقلال در این فصل است. استقلال دیروز دومین خرید خود را هم انجام داد و فرشید باقری، هافبک فصل قبل صبا به استقلال پیوست.

• سعید مرادی، کاپیتان فصل گذشته پارسه به تراکتورسازی پیوست.

• احمد امیرکامدار بازیکن نیم‌فصل دوم ذوب‌آهن با تیم ماشین‌سازی به توافق رسید.

بریده اخبار

- در تازه‌ترین رده‌بندی تیم‌های ملی جهان، ایران با سه پله صعود به رده سی‌ونهم جهان صعود کرد. ایران همچنان در قاره آسیا اول است.
- تیم ملی بسکتبال ایران با پیروزی برابر اردن قهرمان رقابت‌های غرب آسیا شد. این تیم برای انجام دو بازی دوستانه راهی فیلیپین شد.
- ایران میزبان جام‌های جهانی کشتی فرنگی و آزاد در سال ۲۰۱۷ میلادی شد.
- فیفا رأی خود را تغییر داد و عراق در جده مقابل عربستان بازی می‌کند.
- مصطفی آجورلو، مدیرعامل باشگاه تراکتورسازی تبریز شد؛ او اعلام کرد امیر قلعه‌نویی سرمربی این تیم باقی خواهد ماند.
- صدمین دوره رقابت‌های جام ملت‌های آمریکای جنوبی با شکست ۲ بر صفر آمریکای میزبان برابر کلمبیا آغاز شد.
- فینال مسابقات تنیس رولان گروس امروز بین اندی ماری و نواک جوکوویچ برگزار می‌شود.
- علی کفاشیان، نایب‌رئیس فدراسیون فوتبال ایران، برای حضور در هیأت اجرائی فیفا ثبت‌نام کرد